

عوامل آزادی فکر در قرآن و بررسی موانع درون‌دینی و برون‌دینی آن
و ارائه راهکارها از نهج البلاغه

راحله آقامحمدی* / خسرو باقری** / فهمیه انصاریان***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶

چکیده

این پژوهش بررسی و ارائه‌سندی از جایگاه آزادی و رهایی فکر در مسیر اعتلای فکری و عقلانی در قرآن است. بدین منظور، آیات قرآن به آیات رهایی‌بخش و آیات مربوط به اسارت‌آفرینی به عنوان عوامل و موانع درون‌دینی تقسیم بندی شده‌اند. همچنین موانع برون‌دینی نیز در زمینه فرهنگی و معرفت‌دینی ارزیابی می‌شوند. جهت برون رفت از موانع، راهکارهایی از نهج‌البلاغه ارائه می‌گردد. روش پژوهش، روش تحلیل مفاهیم، روش استنتاجی است. بر این اساس، عوامل آزادی فکر باعث اعمال اختیاری و فضایی چون گذشت و تقوا موجب رهایی از اسارت‌های درونی و رذایل اخلاقی و سبب آزادی و توسعه فکر می‌گردد. همچنین برای دفع و رفع موانع درون‌دینی، همچون تقلیدکور و عدم پیروی از عقل، راهکار مناسب را عبرت‌پذیری از گذشتگان، تبعیت کردن از عقل، در برابر رفتارهای جاهلانه، شک، تردید، شبهه، فریب‌کاری و ارتداد و رهایی از تبعیت از هوای نفس می‌داند. موانع برون‌دینی شامل نوع معرفت‌دینی در دوره‌های مختلف و چگونگی استنباط آیات از متون اسلامی است. موانع فرهنگی نیز موجب سلب آزادی فکر می‌شوند. راهکارهای ارائه شده از نهج‌البلاغه، سبب عبور از این موانع و معرفت بیشتر و تقویت پایه‌های ایمان شده و راه وصول به یقین را نیز میسر می‌سازد.

واژگان کلیدی

آزادی فکر، عوامل و موانع، قرآن، نهج‌البلاغه.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، ایران. rasa_1346@yahoo.com

** استاد دانشگاه تهران، نویسنده مسئول. khabagheri@ut.ac.ir

*** استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ایران. f.ansarian110@yahoo.com

۱- مقدمه

تربیت خردمندانة قرآن، نقد و انتقاد را که حاصل تفکر و آزاد اندیشی است، برای کنار زدن شبهه و ابهام تا رسیدن به یقین نهی نمی‌کند. چنانچه ابراهیم پیامبر (علیه السلام) با آوردن برهان‌های عقلی و شهودی، چنین روشی را در پیش می‌گیرد.

«وَكَذَلِكَ نُرَىٰ إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»

«همچنین ما به ابراهیم ملکوت و باطن آسمان‌ها و زمین را نشان دادیم تا به مقام اهل یقین برسد.» (قرآن کریم، انعام: ۷۵).

خردورزی و آزادی فکر و نقادی چه بسا از ملزومات انسان موردنظر اسلام است، زیرا پذیرش اصول و مبنای دین نه از طریق تقلید و پیروی کورکورانه بلکه از طریق تفکر، تحقیق و وصول به یقین میسر است. درمورد اختیار در ورود به دین، نیز این آزاداندیشی در انتخاب، به دلیل قوه تمیز و عقل انسان اهمیت دارد.

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»

«در انتخاب دین هیچ اجباری نیست، همانا راه گمراهی از راه هدایت روشن شده است.» (قرآن کریم بقره: ۲۵۶).

پرورش انسان‌های نقاد و آزاداندیش، از جمله آمال و آرزوهای تعلیم‌وتربیت دینی است. آزاداندیشی ثمره و نتیجه خردورزی و تفکر است. عقل از درون چون پیامبر هدایتگر است. (کلینی، ۱۳۶۴: ۱۹/۱)

حضرت علی (علیه السلام) ارزش عقل را در نجات‌بخشی انسان می‌داند:

«مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ عَقْلًا إِلَّا اسْتَفَادَهُ بِهِ يَوْمَ»

«خداوند عقل را که نجات‌بخش اوست به انسان نداد جز آن که روزی او را به کمک عقل نجات دهد. عقل نجات‌بخش انسان است.» (دشتی، ۱۳۸۵: ۵۲۱)

قرآن مکرر دعوت به این امر می‌کند و این باور در بین مسلمانان که اهمیت تفکر از عبادت بالاتر است، ریشه در قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) خصوصاً امام علی (علیه السلام) دارد و افتخار و امتیاز کتاب آسمانی قرآن به سایر کتب آسمانی محسوب می‌شود و همین مسئله موجب افتخار مسلمانان است (کلینی، ۱۳۶۴: ۵۴/۲) امروزه برای زدودن غبار و ابهام از چهره واقعی دین اسلام با وجود حجم انبوه شبهات دینی باید از موهبت خدادادی عقل استفاده نمود. در این مسیر بازنگری موانع تفکر و اندیشه آزاد ضروری است. یکی از موارد تأکید آموزش و پرورش کنونی ما بر تعلیم مستقیم آموزه‌های دینی است

در حالی که اولیای دین، خود به روش غیرمستقیم و غیرزبانی بیشتر توجه داشته‌اند. (جمله معروف امام صادق علیه السلام):

«كُونُوا دَعَاةَ النَّاسِ بَعِيْرَ اَلْسِنَتِكُمْ»

مردم را با غیر زبان دعوت به دینداری نمایید. (مجلسی، ۱۳۶۹: ۱۹۸/۵)

مؤید این ادعا است. محدود کردن انسان و استفاده نکردن از قوای درونی او برخلاف فطرت و آفرینش آن‌ها است. قرآن در انتخاب‌های انسان در دوره‌های، مسئولیت انتخاب را به او می‌سپارد:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»

«همانا ما راه هدایت را به او نشان دادیم، می‌خواهد شاکر باشد یا راه کفر پیشه کند.» (قرآن

کریم، انسان: ۳)

این امر با مطالعه ساختار دین‌داری توسط کلیسا در قبل از عصر روشنگری و مدرن مقایسه عواملی که سبب دین‌گریزی مردم گردید، با دین‌داری و دین‌داران در جامعه امروزی ما می‌تواند انجام گیرد تا علل آن مشخص گردد. گرچه دین‌داران فرهیخته و محققان آنان به این امر توجه نموده‌اند، لیکن ارائه طریقه عملی در تعلیم و تربیت قرآنی و رفع شبهه و کنارزدن ابهام از رخ حقیقت مکتوم و دریافت حقایق بیشتر در این طریق ضرورت دارد و واکاوی بیشتر آن، باعث ایجاد انگیزه در دینداری خالصانه در جامعه مسلمان امروزی خواهد شد. بر این اساس ابتدا عوامل آزادی و موانع آن بررسی می‌شود، سپس راهکارهایی از نهج البلاغه ارائه می‌گردد.

۱-۱- پرسش‌های پژوهش:

آزادی و رهایی فکر در قرآن چه جایگاهی دارد؟

موانع آزادی فکر کدامند؟

چه راهکارهایی برای رفع موانع در نهج البلاغه وجود دارد؟

۲-۱- پیشینه تحقیق

در زمینه آزادی فکر، اندیشمندان و محققان بسیاری به پژوهش پرداخته‌اند لیکن در زمینه آزادی فکر در قرآن و موانع آن و ارائه راهکار، از نهج البلاغه، پژوهشی انجام نشده است. در زیر به اختصار، به برخی از پژوهش‌هایی که به این موضوع نزدیک شده‌اند، اشاره می‌گردد: «حل پارادوکس آزادی در اندیشه مطهری» سوزن‌چی، (۱۳۸۳) درخصوص آزادی و ماهیت آن و ارتباطش با دین‌داری به تفاوت



آزادی در فکر و آزادی در عقیده پرداخت و به این نتایج دست یافت آزادی در اندیشه مطهری به تنهایی هدف نیست بلکه وسیله‌ای است که توسط آن می‌توان به کمال رسید و به خودی خود دارای تقدس و ارزش نیست ارزش آن از این جهت است که در فقدان آن انسان همچون سایر موجودات از قدرت انتخاب برخوردار نبوده و در نتیجه ظهور استعدادها در انسان معنا و مفهومی نخواهد یافت. با آزادی است که ممکن است به عالی‌ترین کمالات و مقامات برسد و ممکن است به اسفل السافلین سقوط کند. «تحلیل مفهومی «لااکراه فی الدین» و نظریه و مسیولیت عقیده» احسانی فر و قاضی‌زاده، (۱۳۹۴) اسباب نزول آیه «لااکراه فی الدین»، روایات آزادی و مسیولیت عقیده را با برداشتی از آیه مورد نظر بررسی نموده اند و نتایج آن این است که آیه بر آزادی فکر و عقیده دلالت دارد اما مجوزی برای فرار از مسیولیت صادر نمی‌کند بلکه همه مسیولیت آزادی در فکر و عقیده را متوجه انسان می‌داند، هرگونه اکراهی برای قبولاندن اعتقادات دینی نفعی و نهی شده و علت آن روشنی عقلی مسیر «رشد» از «غی» و منافات اکراه با امتحان و اختیار شمرده شده است. «آزادی انسان در قرآن» ایازی، (۱۳۹۰) به خصوصیات ذاتی انسان‌ها، انسان‌های دین‌دار و رابطه آن‌ها با آزادی و دین‌داری و ویژگی‌های دین می‌پردازد. نتایج به دست آمده درباره پاسداری کرامت وجودی انسان است و آزادی از آن جهت که باعث حفظ کرامت می‌شود اهمیت دارد و بی توجهی به کرامت پیامدهای ناخوشایند و مشکلات برای مسلمانان خواهد بود. همچنین «آزادی فکر در نظام جمهوری اسلامی» دشتی سروی، (۱۳۷۸) در پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد خود به‌طور خلاصه در ابتدا به ذکر پیشینه تاریخی آزادی فکر در مکتب‌های توحیدی پرداخته و تعاریف گوناگون آزادی فکر را بررسی کرده است. نتایج حاصله، جنبه‌های گوناگونی که آزادی دارد یعنی آزادی داشتن هر نوع فکر، آزادی از تحمیل عقیده و ممنوعیت اجبار واکراه در فکر، آزادی تعلیم و اجرای مراسم مذهبی و بیان افکار گوناگون است. سپس با بیان ممنوعیت‌ها، ارتداد را از جهت حقوقی بررسی می‌نماید.

در میان پژوهشگران غیرایرانی نیز برخی افراد به موضوع «آزادی فکر» توجه کرده‌اند. «اسلام و آزادی فکر» زین‌العابدین (۲۰۱۵) به چگونگی دل‌زدگی از دین توسط اروپاییان می‌پردازد و مسیحیت و کلیسا و اروپای قبل از رنسانس و عصر روشنگری را با اسلام مقایسه می‌کند. «نقش تعلیم و تربیت در پرورش آزادی فکر» شارما (۲۰۱۸) نیز در مورد نقش تربیت در آزادی افکار و چگونگی پیوند تربیت و فکر، سخن گفته و به مهارت‌های پرورش فکر می‌پردازد. همچنین نقش و اهمیت تربیت را در شکوفایی اندیشه‌ها و آزادی افکار بیان می‌کند.

۲- روش شناسی پژوهش

پژوهش کیفی، ماهیتاً چندروشی^۱ است و متضمن رویکرد تفسیری و طبیعت‌گرایانه، به موضوع مورد مطالعه است. روش پژوهشی به‌کاررفته در این مطالعه، روش کیفی، از نوع تحلیل مفاهیم و داده‌ها و روش استنتاج عملی، برای راه‌یافتن به گزاره‌های تجویزی و به معنای تجزیه به اجزای مفهومی است. همچنین، تحلیل به معنای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی است. به‌علاوه، تحلیل متضمن نقد است و می‌تواند از طریق کالبدشکافی مفاهیم و تجزیه، نقد آن‌ها، انجام شود (باقری، ۱۳۹۴: ۱۳۳) چارچوب مبنایی نظری پژوهش، براساس نظریه عاملیت انسان در قرآن است. نظریه اسلامی عمل، (خسرو باقری)، انگاره انسان به عنوان عامل، یک بنای انسان شناختی است که بر قرآن تکیه دارد. در این نظریه عمل انسان به عنوان نقطه ثقل در تعریف انسان در نظر گرفته شده است. عمل آدمی از آن جهت که بر اساس مبادی خاصی چون معرفت، میل، اراده، بنا می‌شود. شناخت این مبادی، جهت شناخت آدمی ضروری است، زیرا بدون لحاظ آن‌ها، عمل به رفتار یا به مجموعه بی معنا، تبدیل می‌شود اما، این طور نیست که شناخت کامل عمل، در «آثار عمل» است، آثار عمل، گاهی اثر بازگشتی از عمل به سوی خود عامل، را دارد و در نظریه اسلامی عمل، اثر بازگشتی نوع اول نام دارد یعنی تحقق عمل، باعث تأثیری بر مبنای اولیه صدور عمل، میشود و دسته دوم، اثری است، پیرامون عاملی، (پیش فرض‌های روانشناسی اسلامی، باقری، ۱۳۷۴، ۱)

عوامل آزادی فکر در قرآن و بررسی موانع درون‌دینی و بیرون‌دینی آن و ارائه راهکارها از نهج البلاغه



۱۸۷

۲-۱- جایگاه آزادی و رهایی فکر در قرآن

۲-۱-۱- ایمان آوری

آیات بسیاری در قرآن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به عمل اختیاری انسان و گرایش‌های او اشاره می‌نمایند. از جمله آیاتی که درباره ایمان آوری و پذیرش حق و دین‌داری و یا کفر و آزادی در انتخاب دین بحث به میان می‌آورد، آیه معروف به آیه‌الکرسی است:

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

«در قبول دین، اکراهی نیست زیرا راه درست از راه انحرافی، روشن شده است بنابراین، کسی که به طاغوت (بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به خدا ایمان آورد، به

1. Multi method

دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستن برای آن نیست و خداوند شنوا و داناست.»
(قرآن کریم، بقره: ۲۵۶)

راه گمراهی از راه رشد و هدایت قابل تمیز است. مذهب حق به دلایلی نمی‌تواند تحمیلی باشد، بعد از آوردن دلایل روشن و استدلال‌های منطقی و حتی آوردن معجزات و اثبات حقانیت، نیازی به تحمیل عقیده، دین و مذهب نیست. کسی که اهل استدلال و منطق نباشد، از زور و اجبار برای تحمیل آن استفاده می‌کند از طرفی دین از یک سری اعتقادات قلبی ریشه می‌گیرد، ممکن نیست با زور و تحمیل در قلب‌ها نفوذ نماید، برخلاف اعمال ظاهری که برخی مواقع از روی اجبار انجام می‌گیرد؛ از سوی دیگر، برای آنکه پذیرش دین مؤثر واقع شود، باید با آزادی و اختیار همراه باشد. در آیه ۲۵۶ سوره بقره، کفر به غیر خدا، یعنی طاغوت، و سپس ایمان به خدا را طرح می‌نماید یعنی چنگ‌زدن به چیزی مستلزم آن است که انسان قبلاً چیزهای دیگر را رها کرده باشد. تا نسبت به آیین‌های دیگر و موجودات دیگر کافر نشود و عشق آن‌ها را از دل خود بیرون نکند، نمی‌تواند به خدا ایمان بیاورد و عاشقانه او را بپرستد. ایمان درونی است و درستی آن را خدا تشخیص می‌دهد که از این حیث با انجام اعمال ظاهری تفاوت دارد. خداوند به نیات مردم آگاه است و سخنان مردم را می‌شنود. معلوم می‌شود که وقتی اصول و ملاک‌ها تبیین شده باشد و راه رشد و حقیقت آشکار باشد، فضای آزاد فکری برای تشخیص، مؤثر واقع می‌شود در غیر این صورت موجب آشفته‌گی فکری خواهد شد (المیزان: ۵۳۲/۲) انسان مؤمن آزادانه با توجه به دلایل روشن و استدلال‌های منطقی، راه حق را برمی‌گزیند و به طاغوت‌های بیرونی و درونی (غیر خدا) کافر می‌شود، این انتخاب آزادانه او برخاسته از معرفت و باوری است که قلباً بعد از تسلیم عقل در برابر حق در او بوجود آمده است، زیرا راه گمراهی از راه حقیقت بوسیله عقل، قابل تشخیص است و از طرفی با توجه به هدایت اولیه انسان، او از درون گرایش به نیکی‌ها را دارد و از پلیدی‌ها گریزان است «فاله‌مها فجورها و تقوی‌ها» (قرآن کریم، شمس: ۸) آزادی فکر در انتخاب و به دنبال آن، عمل اختیاری انسان، سر منشأ ایمان آوری یا کفر و ناسپاسی است از این رو راه کار ایمان، راهبردی است برای رسیدن به عمل صالح و در نتیجه هدفدار نمودن علم و دانش که راه رسیدن به سعادت را هموار می‌نماید.

راهکار نهج البلاغه:

«سَبِيلُ أَيْدِي الْمَنَاجِحِ، أَوْزُ السَّرَاجِ، فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ، وَبِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ، وَبِالْإِيمَانِ يُعْمَرُ الْعِلْمُ.»، (خطبه ۱۵۶)،

ایمان روشن‌ترین راه‌ها و نورانی‌ترین چراغ‌هاست با ایمان می‌توان به عمل صالح راه برد.
(دشتی، ۱۳۸۵: ۲۰۷)

ره‌آورد ایمان آن‌چنان که امام علی (علیه السلام) بیان می‌دارد، که از ایمان به‌عنوان روشن‌ترین راه‌ها و نورانی‌ترین چراغ‌ها یاد می‌کند، نیز ایمان را راهبردی برای رسیدن به عمل صالح دانسته و اثر دوسویه آن دو را با تقویت‌کنندگی در انجام اعمال صالح و ایمان‌آوری معرفی می‌کند. با اعمال نیکو نیز به ایمان می‌توان دسترسی پیدا کرد و در نتیجه با ایمان، علم و دانش هدف‌دار می‌گردد. در واقع این نقدی بر علم‌زدگی و علم‌گرایی محض است که با علم تنها نمی‌توان به سعادت و رستگاری رسید بلکه باید علم با ایمان توأم شود تا هدف‌دار گردد.

۲-۱-۲- دانایی، بصیرت و اختیار

«قَدْ جَاءَكَ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكَ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَىٰ هَاوِيَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ.»

«آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شما است البته از طرف خدا آمد پس هرکس بصیرت یافت خود به سعادت رسید و هرکس کور بماند خود در زیان افتاد و من نگهبان شما از عذاب خدا نیستم.» (قرآن کریم، انعام: ۱۰۴)

خداوند در این آیه می‌فرماید دلایل روشنی که ارائه کردیم، مایه بصیرت شما مشرکان بوده و شما در کار خود مختارید. به نفع شما خواهد بود که با این دلایل بصیرت یافته و چهره حقیقت را بنگرید. پس اگر نخواستید، بصیرت پیدا نمی‌کنید و در همان کوری مانده و از درک حقایق محروم می‌مانید و به زیان خود عمل می‌کنید. من مالک و صاحب اختیار دل‌های شما نیستم، بلکه وظیفه من فقط ابلاغ رسالت است. (المیزان: ۷ / ۴۱۵) در این آیه اختیاری بودن ایمان و پذیرش رهنمون‌ها و گرایش به حقیقت و درک آن آمده است. بصیرت و آگاهی قلبی براساس قوت ایمان و تقوی و راهیابی به حکمت، بازدارنده انسان از خطا است و لازمه رسیدن به این مرحله، تقویت معرفت است و آن نیز نیازمند دانایی و آگاهی است که جلوه‌های آن در نهج البلاغه آمده است.

راهکار نهج البلاغه:

قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ (حکمت ۸۱)

ارزش هرکس به اندازه دانش و تخصص اوست. (دشتی، ۴۵۷: ۱۳۸۵)

علم و آگاهی و تخصص و بصیرت پیدا کردن از نظر امام علی (علیه السلام) یعنی ارزشمندی، زیرا ارزش هرکس به اندازه دانایی، تخصص و آگاهی اوست. دانایی با نادانی و جهل برابر نیست. پرسش قرآن از نوع استفهام انکاری، دلیل بر برتری دانایی است. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» آیا آنان که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند برابرند؟ (قرآن کریم، زمر: ۹). در واقع یکی از ملاک‌های برتری انسان‌ها که تعیین کننده ارزشمندی انسان به شمار می‌رود، علم و دانایی معرفی شده است.

بنابراین امام علی (علیه السلام) دانش آموخته قرآن و مکتب پیامبر (صلی الله علیه و آله) ارزشمندی انسان را به میزان دانش و بصیرت، تخصص هرکس می‌داند.

۲-۱-۳- تقوی

آيَةُ «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ حَاجَةً لِمَأْتُوهُمْ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (قرآن کریم، حشر: ۹)

«و آن جماعت انصار پیش از مهاجرین مدینه را خانهٔ ایمان گردانیدند و مهاجرین را که به سوی آن‌ها آمدند، دوست می‌دارند و در دل خود هیچ حاجتی (بخلی و حسدی) نسبت به آن‌ها نمی‌یابند. هرچند به چیزی نیازمند باشند، مهاجرین را بر خویش مقدم می‌دارند و هرکس را از خوی بخل و حرص دنیا نگاه دارند، آنان به حقیقت رستگاران عالم‌اند.»

اشاره به آزادی و رهایی از صفات رذیله مثل حسد و بخل و کینه یاد شده است که انصار نسبت به مهاجرین داشتند و با وجود فقر، آنان را بر خود ترجیح داده بودند و حتی کوچک‌ترین چشم‌داشتی به آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از فیء در بین آنان تقسیم نمود، نداشتند. آنان را رستگاران و رهایافتگان از بندگی طاغوت‌های بیرونی و درونی معرفی می‌کند، (المیزان: ۳۴۷/۱۹) اثر بازگشتی اخلاص در ایمان و بازگشت آن، ظهور دوستی در عملکرد با مهاجران است.

راهکار نهج البلاغه:

رسیدن به رهایی از اسارت‌ها در نهج البلاغه «تقوا» معرفی شده است «أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَىٰ مَطَايَا ذُلِّ، حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا، وَأُعْطُوا أَزِمَّتْهَا، فَأُورِدَتْهُمْ الْجَنَّةَ»، (خطبه ۱۶). «آگاه باشید که تقوا چونان مرکب فرمان‌برداری است که سوار خود را عنان در دست وارد بهشت جاویدان کند.» (دستی، ۱۳۸۵: ۳۹).

«إِعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ، أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ، وَالْفُجُورَ دَارُ حِصْنٍ ذَلِيلٍ، لَا يَجْمَعُ أَهْلُهُ، وَلَا يُخْرِزُ مِنْ جَمَاعَتِهِ. إِلَّا وَبِالتَّقْوَى تُقَطَّعُ حُمَمُ الخَطِيَايَا، وَبِالْيَقِينِ تُدْرَكُ الْعَايَةُ الْقُصْوَى» (خطبه ۱۵۷)

«ای بندگان خدا بدانید که تقوا دژ محکم و شکست‌ناپذیر است و گناه و هرزگی خانه‌ای در حال فروریختن که پناهنده خود را امان ندهد. آگاه باشید که با پرهیزکاری ریشه گناهان را می‌توان برید و با یقین به برترین جایگاه معنوی دست یافت.» (دشتی، ۱۳۸۵: ۲۰۹)

باز شدن دریچه‌های حکمت و بصیرت و روشن بینی نیاز مند شدت تقوی، ایمان، عمل صالح است، تقوی یکی دیگر از ملاک‌ها و معیارهای برتری انسان‌هاست «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ أَتْقَىكُمْ» (قرآن کریم، حجرات: ۱۳) و از طرفی ملاک دیگر برتری مومنان، اخلاص است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «بِالْإِخْلَاصِ تَنْفَاضُلُ الْمُؤْمِنِينَ» مومنان با توجه به مراتب اخلاصشان، بریکدیگر برتری پیدا می‌کنند (ری شهری، ۱/۱۳۹۵: ۷۵۴) اخلاص است که دریچه‌های حکمت را به روی انسان می‌گشاید. پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این خصوص فرموده‌اند:

«مَنْ إِخْلَصَ لِلَّهِ آرَبَعِينَ صَبَاحًا جَرَّتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ مِنَ الْقَلْبِ إِلَى لِسَانِهِ» (مجلسی، ۱۳۶۹/۶۷: ۲۴۳)

پرورش نفس با تقوا، آن چنان که در سفارش‌ها و سخنان امام علی علیه السلام آمده به کرات به رعایت تقوی و نظم، توصیه می‌کند.

۲-۲ موانع درون‌دینی آزادی فکر در تربیت خردمندان:

بررسی موانع آزادی فکر در قرآن، در تربیت قرآنی، از موانع درون‌دینی، آیات مربوط به اسارت آفرینی است که از آن‌ها استنتاج گردیده است. از آن جمله است:

۲-۲-۱- آیات مربوط به اسارت آفرینی

۲-۲-۱-۱- تقلید کور و عبرت ناپذیری از گذشتگان

از جمله ویژگی‌هایی که نشانی از اسارت فکری برای مردم است، تقلید کور و عبرت ناپذیری از گذشتگان است

«وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَأُلُوكَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا

يَهْتَدُونَ» (قرآن کریم، بقره: ۱۷۰)

«و چون کفار را گویند از شریعت و کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، پاسخ دهند که پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آن‌ها پیرو پدران باشند، در صورتی که آن پدران نادان و بی عقل بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته‌اند؟»

برای جلوگیری از تقلید کورکورانه یک روش همان عبرت‌گیری از احوال گذشتگان است. مذمت منطقی سست مشرکان به خاطر تقلید کورکورانه بدون تحلیل آداب و سنن گذشتگان مثل تحریم بی‌دلیل غذاهای حلال یا تقلید از بت‌پرستی آنان، به شکل استفهامی در این آیات دیده می‌شود. قرآن از مشرکان سؤال می‌کند که آیا کسانی که درک درستی نداشته و به راه درست نمی‌رفتند، درخور پیروی‌اند. اگر آنان دانشمند و صاحب اندیشه و هدایت‌یافته بودند، جای آن بود که از آن‌ها تبعیت شود ولی آنان مردمان نادانی بودند که سزاوار الگو قرارگرفتن و پیروی نبودند. تقلید کورکورانه و بدون منطق همواره از موانع رشد و حرکت رو به جلو انسان تلقی می‌شوند. معقولیت که خود از اصل‌های مهم در تربیت است، بدون به‌کاررفتن در امور، نه‌تنها باعث رکود می‌گردد بلکه برخلاف حرکت در مسیر، موجب عقب‌گرد خواهد شد. (المیزان: ۶۴۲/۱) البته می‌توانیم با تحلیل عملکرد گذشتگان و اصل عبرت‌گیری به‌عنوان مزیت علم تاریخ، از تکرار اشتباهات آنان پیشگیری کنیم. آیین گذشتگان در واقع چهارچوب و حصار فکری از پیش تعیین شده‌ای است که بدون تحلیل و نقد، از طرف فرزندان، پیروی و اجرا می‌شود، درحالی‌که اگر از عقل و قدرت انتقادی آن بهره‌گیری گردد، باید به حالت گزینشی رفتار شود. یعنی آیین و فرهنگ گذشتگان چنانچه مطابق با فطرت و قابل دفاع علمی باشد مورد پذیرش قرار گیرد و چنانچه خرافی و برخلاف فطرت، عقل و وحی باشد به کنار گذاشته شود.

راهکار نهج البلاغه:

یکی دیگر از راهکارهای نهج البلاغه عبرت‌گیری از دوره جاهلیت است. آنجا که می‌فرماید:

«فَاعْتَبِرُوا عِبَادَ اللَّهِ، وَادْكُرُوا تِيكَ الَّتِي آبَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ بِهَا مَرَّتْهُنَّ، وَعَلَيْهَا مُحَاسَبُونَ، وَ لَعْمَرِي مَا تَقَادَمَتْ بِكُمْ وَلَا يَمُّ الْعُهُودُ، وَلَا خَلْتُ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمُ الْأَحْقَابُ وَالْقُرُونُ، وَمَا أَنْتُمْ الْيَوْمَ مِنْ يَوْمِ كُنْتُمْ فِي أَصْلَابِهِمْ يَبْعِيدُ. وَاللَّهِ مَا أَسْمَعُكَ الرَّسُولُ شَيْئاً إِلَّا وَهَاتَاذًا مَسْمِعُكُمْوهُ، وَمَا

۱- و در حدود ۱۸ آیه درباره تقلید کورکورانه نقل شده است. که در آیات ۱۷۰ بقره ۱۴۱ بقره ۲۱ و ۵۶ زخرف ۳۶ نمل ۵۲-۵۵ انبیاء ۱۷۶ و ۷۶ شعراء هود ۱۰۹ و یوسف ۱۰۹ و ۱۱۱ قصص ۱۰۴ مائده ۳۶ قمر ۱۵ و ۵۱ قلم ۳۲ و ۵۱ قمر نحل ۳۶ و نازعات ۲۶ (نویسنده، ۱۴۰۱).

به‌کاربردن عقل، انسان را به تبعیت از حق و بندگی او رهنمون می‌نماید، یعنی عقل، انسان را به طرف خدا می‌کشاند. در اینجا سفاقت و سبک‌عقلی و توجه صرف به ظواهر و منفعت مادی، از موانع بزرگ تربیت خردمندانه محسوب می‌شود زیرا منفعت‌های آنی دنیا زود می‌گذرند. بنابراین انسان‌های خردمند از نظر قرآن انسان‌هایی هستند که با دوراندیشی دعوت به‌سوی حق‌گرایی و دعوت به اطاعت و بندگی را بپذیرند، (المیزان: ۱ / ۴۵۲)، جهل یعنی استفاده نکردن از عقل و ایجاد تردید و شبهه و به‌دنبال آن ارتداد، علاوه بر نقض عهد و پیمان، پیروی از شیطان و انسان‌های پیرو شیطان، نظیر فریب‌سامری است.^۱ بهره‌گیری از قدرت عقل، مشخصه اعمال اختیاری انسان است که پس از جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن‌ها، گزینش می‌کند و این گزینش، تشخیص نیز خود، از نشانه‌ها، مختصات مربوط به قوه عقل، محسوب می‌گردد. وقتی انسان فریب شیطان و یا انسان‌های شیطان‌صفت را می‌خورد که در ابتدا، خود انسان، راضی به آن غفلت است، یعنی این فریب، نوعی غفلت «خود خواسته» است. چنانکه استفاده از عقل، در آن کار، دیده نمی‌شود.

راهکار نهج البلاغه:

تبعیت از عقل در برابر رفتارهای جاهلانه خرافی است.

لَا مَالَ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ... وَلَا عَقْلًا كَالْتَّوْبِيرِ (حکمت ۱۱۳)

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

سرمایه‌ای سودمندتر از عقل نیست که انسان در معامله زندگی برای خود

برگزیند، (دستی، ۱۳۸۵: ۴۶۳)،

«فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ نَفْعَ مَا أَوْتِيَ مِنَ الْعَقْلِ وَالتَّجْرِبَةِ» (نامه ۷۸)

تیره‌روز کسی است که از موهبت عقل سود نبرد و این محرومیت و تیره‌روزی از بی‌توجهی به

اهمیت تجربه عقلانی حاصل می‌گردد (دستی، ۱۳۸۵: ۴۴۱)

«فَإِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بُنَى وَلُزُومِ أَمْرِهِ وَعِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ... وَتَوَزُّؤِهِ بِالْحِكْمَةِ... وَبَصْرُهُ

جَمَاعَةِ الدُّنْيَا وَحَدْرَهُ صَوْلَةَ الدَّهْرِ» (نامه ۳۱)

^۱- در حدود ۷ آیه درباره این موضوع آمده است مثل سوره ممتحنه و ۱۳ و ۱ مانده ۵۱ و ۸۱ بقره ۱۶۵ و ۲۰ و ۱۸ حشر و نیز آیه درباره پیروی از غیر خدا شیطان آمده است. و همچنین سوره محمد آیات ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۱ و ۲۷ و ۲۸ سوره انعام آیه ۱۴۱ و سوره بقره آیه ۱۳۰ و ۲۷۵ و سوره شوری ۱۵ و مانده ۶۰ و ۶۴ و ۴۱ و ۴۸ و ۴۹ توبه ۱۲ و نساء ۵۱ و ۱۴۰ بیان شده است. جهل یعنی استفاده نکردن از عقل و ایجاد تردید و شبهه و به‌دنبال آن ارتداد دارد ذکر شده است.

و نیز در وصیت خود به فرزندش پس از سفارش به تقوا و انجام دستورات خداوند و آبادانی قلب با ذکر و یاد او می‌فرماید:

آنچه روشنایی بخش جان و روح توست نور حکمت و دانایی و بهره‌بردن از عقل است. این امر با خردورزی و عبرت‌گیری و تحلیل روزگار با آگاهی از حوادث ناگوار دنیا میسر می‌شود (دستی، ۱۳۸۵: ۳۷۱)

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْلَمُهُمْ بِمَا جَاءَ وَابِهِ ثُمَّ تَلَا إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا (الآية) ثُمَّ قَالَ إِنَّ وَليَّ مُحَمَّدٍ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ» (حکمت ۹۶)

از طرفی نزدیک‌ترین مردم به پیامبران کسانی‌اند که قوای عقلی خود را به کار می‌برند، اهل تفکرند همان «دانایان» که به نیکویی آیات وحی را فهم می‌کنند چنانچه درباره همراهان ابراهیم (علیه السلام) قرآن پیروی از آنان را به‌عنوان الگو توصیه می‌کند.

«فَدَاكَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ»، (قرآن کریم، ممتحنه: ۴).

امام علی (علیه السلام) درباره پیروی از حق‌گرایان آیین ابراهیمی این آیه را تلاوت نمودند و در ادامه فرمودند: «همانا نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم آن‌اند که پیرو او گردیدند و امروز مؤمنانی‌اند که به این پیامبر خاتم (صلوات الله علیه) پیوستند.» (دستی، ۱۳۸۵: ۴۵۹) روی گردانی از روش ابراهیم (علیه السلام) را قرآن باصفت «سفاهت» تبیین می‌نماید و عقل‌گرایی و حق‌گرایی که پیروان ابراهیم (علیه السلام) است، در امتداد آن شیوه زندگی خردورزان توحیدپیشه حق‌گرا، پیروان پیامبر اسلام (صلوات الله علیه) ترسیم‌کننده زندگی انسان موردنظر قرآن است. در توصیه‌های دیگر حضرت علی (علیه السلام) درباره اهمیت عقل و عقل‌ورزی آمده است که:

«كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْضَحَ لَكَ سُبُلَ غَيْبِكَ مِنْ رُشْدِكَ» (حکمت ۴۲۱)

«عقل تو را کفایت کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد.» (دستی، ۱۳۸۵: ۵۲۲)
«مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ امْرَأً عَقْلاً إِلَّا اسْتَنْقَذَهُ بِهِ يَوْمَ مَا» (حکمت ۴۰۷)

خدا عقل را به انسان نداد مگر اینکه روزی با آن او را نجات بخشد. استفاده از عقل مایه نجات انسان در دنیا و آخرت است و هدف اصلی از آفرینش عقل هم در همین امر است (دستی، ۱۳۸۵: ۵۲۱)

۲-۱-۳- شک و تردید و فریب‌کاری، جهل، شبهه و ارتداد^۱

تردید افکنی، فریب و استفاده از جهل مردم، شبهه، شبیه حق جلوه دادن باطل، از نمونه‌های ایجاد تزلزل در ایمان، سست نمودن پایه‌های دینداری است. به دنبال آن ارتداد را سبب می‌شود. داستان سامری و فریب مردم از جانب او یکی از این نمونه‌هاست:

«فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي * قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ» (قرآن کریم، طه: ۸۶-۸۷)

در داستان موسی (علیه السلام) و سامری که میقات حضرت موسی (علیه السلام) با خدا از سی روز به چهل روز کشیده شد، سامری که مردی منافق بود، پس از رفتن رسول خدا به آثار رسول وحی مؤمن شد ولی چون ایمان واقعی نداشت، دچار وسوسه و شک و تردید گشت و با استفاده از پاره‌ای از مطالب حق، به ساختن گوساله‌ای از زیورآلات پرداخت و سعی در انحراف مردم کرد و هشدارهای برادر موسی (علیه السلام)، هارون را جدی نگرفت و به فریب مردم جاهل پرداخت. مردم بعد از مؤاخذة، گناه را برگردن دیگری یعنی سامری انداختند درحالی که به اراده خود با تردیدی که سامری ایجاد کرده بود از آیین حق به سوی ارتداد رفته بودند. (المیزان: ۱۴ / ۲۵۹)

همواره فرصت طلبانی هستند که از جهل و غفلت مردم سوء استفاده می‌کنند و از پی آن برای خود پله صعود می‌سازند. در این میان، کسانی که ایمان سطحی و مقطعی دارند، گروهی از دنیا طلبان، فرصت طلبان سود جو را پیروی می‌نمایند. شک و شبهه، تردید افکنی خوراک این دسته از مردمان است، به دلیل سست ایمانی و منفعت طلبی آن‌ها افراد سود جو باطل را شبیه حق جلوه می‌دهند و موجب فریب آن‌ها می‌شوند.

راهکار نهج البلاغه:

«إِنَّمَا سَمَّيْتُ الشُّبُهَةَ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تَشْبَهُ الْحَقَّ: فَأَمَّا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَضِيَائُهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ، وَدَلِيلُهُمْ سَمَتِ الْهُدَىٰ وَأَمَّا أَعْدَاءَ اللَّهِ فَدُعَاؤُهُمْ فِيهَا الضَّلَالُ، وَدَلِيلُهُمُ الْعَمَى، فَمَا يَنْجُو مِنَ الْمَوْتِ مِنْ خَافِهِ، وَلَا يُعْطَىٰ»

۱- ۲۳-۲۴ جاثیه ۲۰۸ و ۲۱۷ و ۲۰۹ و ۸۷ طه و ۷۲-۷۴ کهف ۷۵-۷۶ توبه ۹۱ نحل ۴۵ انفال ۱۴۷ مائده ۱۱ و ۱۳

بقره و ۲۵ رعد.

الْبَقَاءَ مَنْ أَحْبَبَهُ... وَالْيَقِينَ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى تَبَصُّرِهِ الْفِطْنَةَ وَتَأْوِيلِ الْحِكْمَةِ وَمَوْعِظَةِ الْعَبْرَةِ
وَسُنَّةِ الْأَوْلِيَّيْنَ» (حکمت ۳۱)

امام علی (علیه السلام) درباره شک، شبهه، تردید، کفر و ارتداد راهکارهایی برای شناخت معرفی می‌فرماید: ابتدا شبهه را شناسایی نموده و سپس می‌فرماید: دلیل نامیدن شبهه آن است که به حق شباهت دارد و نوری که بدان دوستان خدا هدایت شوند همانا «یقین» است که برای آن‌ها از شبهه آغاز و به یقین ختم می‌گردد و راهنمای آنان در مسیر الهی است. یقین بر چهار پایه استوار است: بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه واقعیت‌ها، پندگرفتن از حوادث روزگار و پیمودن راه درست پیشینیان. اما وقتی دشمنان خدا در شبهات بیفتند، گمراهی و راهنمای آنان کوری است. (دستی، ۶۳: ۱۳۸۵)

الْكُفْرُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ عَلَى التَّعَمُّقِ وَالتَّنَازُعِ وَالتَّرْبِيعِ وَالتَّقَاتِقِ. فَمَنْ تَعَمَّقَ لَمْ يَدُبْ إِلَى الْحَقِّ وَمَنْ كَثُرَ نَزَاعُهُ بِالْجَهْلِ دَامَ عَمَاهُ عَنِ الْحَقِّ وَمَنْ زَاعَ سَاءَتْ عِنْدَهُ الْحَسَنَةُ وَحَسُنَتْ عِنْدَهُ السَّيِّئَةُ وَسَكَّرَ سُكْرَ الصَّلَاةِ وَمَنْ شَاقَّ وَعُرِثَ عَلَيْهِ طُرْفُهُ وَأَعْضَلَ عَلَيْهِ أَمْرُهُ وَضَاقَ عَلَيْهِ مَخْرَجُهُ. وَالشَّكُّ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى التَّمَارِي وَالْأَهْوَالِ وَالتَّرْدُدِ وَالِاسْتِسْلَامِ. فَمَنْ جَعَلَ الْمِرَاءَ دِينًا لَمْ يُصْبِحْ لَيْلُهُ وَمَنْ هَالَهَ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ نَكَصَ عَلَى عَقِيئِهِ وَمَنْ تَرَدَّدَ فِي الرَّيْبِ وَطِنْتُهُ سَبَابِكُ الشَّيَاطِينِ وَمَنْ اسْتَسَلَّمَ لِهَلَاكِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ هَلَكَ فِيهِمَا (حکمت ۳۱)

شک از نظر علی (علیه السلام) چهار گونه است. اول: جدال در گفتار و این خصلت برای کسی است که عادت به جدال و نزاع نموده است چنین فردی هرگز از تاریکی شبهات بیرون نخواهد آمد. دوم: ترسیدن، آن کسی که از همه چیز می‌ترسد همواره در زندگی در حال عقب‌نشینی است.

سوم: تردید و دودلی، کسی که دچار شک و تردید است، همواره در انجام امور شک و تردید دارد و چنین شخصی مغلوب شیطان خواهد بود. بخش چهارم ویژگی شک از برای کسی است که تسلیم حوادث گردد و چنین فردی دنیا و آخرتش تباه خواهد بود و هر دو جهان را از کف خواهد داد.

کفر نیز بر چهار پایه استوار است، کنجکاوی دروغین، ستیزه‌جویی و جدل، انحراف از حق و دشمنی کردن. پس آن کس که به دنبال توهم و کنجکاوی دروغین باشد، به حق نخواهد رسید و پرداختن به ستیزه‌جویی و نزاع مانع دیدن حق خواهد شد و کسی که از حق منحرف گردد، نیکویی را زشت و زشت را نیکو خواهد یافت و دچار پندار، سرمست گمراهی خواهد گشت و آن کس که دشمن شود، دشمنی ورزد و پیمودن راه حق بر او دشوار و کارش سخت و نجات او از مشکلات دشوار خواهد شد. (دستی، ۱۳۸۵: ۴۴۹)



«إِنَّ مَنْ صَرَخَتْ لَهُ الْعَبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَزَنَتْهُ التَّقْوَىٰ عَنْ تَقَعُّمِ الشُّبُهَاتِ.»

(خطبه ۱۶).

راهکار نهایی شناخت و تقویت پایه‌های ایمان تا رسیدن به یقین و سقوط نکردن در شبهات را رعایت تقوا می‌داند.

«کسی که عبرت‌ها بر او آشکار شود و از عذاب آن پند گیرد، تقوا و خویشتن‌داری او را از

سقوط در شبهات نگه می‌دارد.» (دشتی، ۱۳۸۵: ۳۹)

«فَيَا عَجَبًا وَمَا لِي لَا أُعْجِبُ مِنْ خَطَا هَذِهِ الْفِرْقِ عَلَىٰ اخْتِلَافِ حُجَجَائِي دِينَهَا لَا يَتَّقُونَ أَثْرَبِيَّ، وَلَا يَقْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِيِّ، وَلَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبِي، وَلَا يَعْقُونَ عَنْ غَيْبِي، يَعْمَلُونَ فِي الشُّبُهَاتِ، وَيَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ. الْمَعْرُوفُ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا، وَالْمُنْكَرُ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا، مَفْرَعُهُمْ فِي الْمَعْضَلَاتِ إِلَىٰ أَنْفُسِهِمْ، وَتَعْوِيلُهُمْ فِي الْمُهْمَاتِ عَلَىٰ آرَائِهِمْ، كَأَنَّ كُلَّ أَمْرٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ نَفْسِهِ، قَدْ أَخَذَ مِنْهَا فِيمَا يَرَىٰ بَعْزَىٰ ثِقَاتٍ، وَأَسْبَابٍ مُحْكَمَاتٍ.» (خطبه ۸۸)

مثلاً در اینجا گوناگونی برخی گروه‌ها بنا بر مذهبی که دارند و پراکندگی آن‌ها را که دلایل مختلفی دارند، توصیف می‌فرماید:

«در شگفتم از خطای گروه‌های پراکنده با دلیل مختلف که هریک در مذهب خود دارند آنان

نه گام بر جای گام پیامبر ﷺ می‌نهند و نه از رفتار جانشین او پیروی می‌کنند. نه به غیب

ایمان دارند و نه خود را از عیب برکنار می‌دارند. به شبهات عمل می‌کنند و در گرداب شهوات

غوطه‌ورند، نیکی در نظرشان همان است که می‌پندارند و زشتی همان است که آن‌ها منکرند

در حل مشکلات به خود پناه می‌برند در مبهمات تنها به رأی خود تکیه می‌کنند گویا امام و

رهبر خویشند که به دستگیره‌های مطمئن و اسباب محکمی که باور دارند، چنگ می‌زنند.»^۱

در این خطبه به کج‌اندیشی‌هایی که در افکار فرقه‌های گوناگون وجود دارند که دچار شبهات شده‌اند

و توهم و پندار خود را ملاک زشتی می‌دانند و ملاک نیکی نیز همان است که در پندار آنان است بی آنکه

به دنبال حقیقت و حل مشکلات باشند و به جای تکیه کردن بر دین الهی و دستورات قرآن و عترت

پیامبر ﷺ رأی و نظر خود را تکیه‌گاه مطمئن تلقی می‌کنند و دچار نوعی پندارگرایی به جای حقیقت‌جویی

و حق‌گرایی گردیده و دریافت‌ها و استنباط‌های غلط خود را به جای حقیقت و فرمان الهی قرار داده‌اند.»

۱- این خطبه بعد از قتل عثمان ایراد گردیده است، (دشتی، ۱۳۸۵: ۱۰۷)، بنا بر خطبه ۸۸



نه هر صاحب قلبی خردمند است و نه دارنده گوشی شنوا... و نه دارنده چشمی بیناست. امام (علیه السلام) اشاره می‌فرماید که به‌صرف شباهت ظاهری به قوای معرفتی انسان معرفت حاصل نخواهد شد و چه بسا توهنات و پندارهای انسان که از مسیر پیروی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) فاصله گرفته باشد و به دلیل خطای شناختی حاصل شده خود از موانع شناخت خواهد بود. « (دشتی، ۱۳۸۵: ۱۰۷) بعد از بررسی موانع درون‌دینی، از موانع فرهنگی، موانع برون‌دینی لازم است بررسی گردد که به‌طور اجمال به آن پرداخته می‌شود:

۲-۳- موانع برون‌دینی آزادی فکر

تحلیل موانع درون‌دینی یعنی، توجه به نص آیات، استفاده از سخنان امام علی (علیه السلام) است. برای نمونه از مطابقت با آیات قرآن امام علی (علیه السلام) توجه نمودن به عقلانیت، کسب علم و آگاهی در این خصوص از عوامل درون‌دینی است که به روشن بینی و بصیرت و معرفت می‌انجامد. اما نوع معرفتی که حاصل می‌شود از عوامل برون‌دینی محسوب می‌گردد و بنابر چیستی و چگونگی نوع اندیشه، ابزار شناخت آن، متفاوت است و معرفت به وجود آمده، غیر مستقیم از عوامل و موانع درون‌دینی منتج می‌شود. بررسی آسیب شناسی در باب معرفت دینی نیز بدون توجه به موانع درون‌دینی، امکان پذیر نیست معرفت دینی برپایه عوامل و موانع درون‌دینی شکل می‌گیرد، که راهکارهای آن از نهج البلاغه اجمالاً بررسی گردید. در باب معرفتی که با مکتب اسلام مطابقت دارد برگرفته از آیات و روایاتی است که بر میزان حق استوار است، در کلام معصوم (علیه السلام) متجلی است.

راهکار نهج البلاغه :

در کلام امام علی (علیه السلام) ابتدا باید آسیب‌های ممکن در معرفت را شناخت و از آن‌ها دوری کرد، از آن جمله‌اند:

دنیا پرستی و هوا پرستی که اسیر کننده عقل است. عشق‌های مجازی که بیمار کننده قلب‌اند، تقلید کورکورانه و پیروی از بدکرداران به این پندار که از نیکان و مهترانند، مزاح، شوخی افراطی، که باعث سبکی عقل می‌شوند، گناه، که خود مانع معرفت می‌شود، عجب و خود پسندی، خودبینی ناروا، برخلاف حق که آفت خرد است، فتنه و شبهه، که تبهکاری‌ها در آن، نشر داده می‌شوند و آنگاه حق را از باطل نمی‌توان شناسایی نمود، آز و طمع، موجب به خاک افتادن و شکست عقل هاست، فقر و تنگدستی و کاستی در دین، سبب سرگردانی خرد و سبب دشمنی است، وسوسه‌ها، کارهایی که از روی بی میلی،



تحمیلی است موجب کوری می‌گردد، درگیری و نزاع و کشمکش، هیچگاه به حقیقت رهنمون نمی‌شود، خشنودی و خشم بیجا، سبب روگردانی از اندیشه و لجاجت و ستیز که موجب کناره گرفتن از اندیشه و تدبیر است. عمل نکردن به علم، باعث سود نبردن از علم می‌گردد، کبر و استکبار، از فریب و بزرگترین دام‌های شیطان است و تعصب و عصبیت، فخر فروشی و گردن کشی از کبر و خود خواهی است که در رفتار شیطان دیده می‌شود، سستی، تنبلی در به جا آوردن فرمان الهی راسبب می‌شود. و شبهه که مانند حق است و از آن باید دوری نمود و بجز متقین همه کس در تشخیص حق، از باطل دچار خطا می‌شوند (عزیزی، ۱۳۸۱: ۹۰) از مراجعه به واژه‌های معرفت شناختی در نهج البلاغه، به دست می‌آید که حقیقت شناخت، شبیه حقیقت نور است. امام علی (ع) در موارد زیادی واژه نور را برای علم استعاره، آورده‌اند. امام علی (ع) در مذمت گروهی فرومایه و پست به نام «همج رعاع» یعنی مگس‌ان کوچک و ناتوان می‌فرماید:

«این گروه بادصفت از نور علم و دانش بهره‌ای نبرده‌اند» (دستی، ۱۳۸۵، ص ۴۷)

لَمْ يَسْتَضِيُوا بِنُورِ الْعِلْمِ (حکمت ۱۴۷)

هم چنین در فرازی دیگر از نهج البلاغه در بیان علل انحراف بنی امیه می‌فرماید:

لَمْ يَسْتَضِيُوا بِأَضْوَاءِ الْحِكْمَةِ وَلَمْ يَقْدَحُوا بِزِنَادِ الْعُلُومِ الثَّاقِبَةِ» (خطبه ۱۰۸)

آن‌ها (بنی امیه) از روشنی‌های حکمت و عرفان بهره مند نشدند و با آتش زنه‌های علوم و معارف درخشان، آتش نیفروخته‌اند (دستی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱).

بنابراین آن چه که باعث انحراف و یا لغزش و سرگردانی خرد شود آسیب و مانع معرفت از دیدگاه امام علی (علیه السلام) است و بعد از شناسایی باید از آن‌ها کناره‌گیری نمود.

از موانع فرهنگی، موانع برون‌دینی آزادی فکر، معرفت دینی تا رسیدن به عمل خردمندانه قرآنی است، آن چنان که در تربیت دینی مطرح است، نیاز به آسیب‌شناسی و بررسی کارآمدی و اثربخشی مؤلفه‌های تدین و تربیت دینی دارد تا کشف شود که در کدام یک از مراحل تربیت دینی چرا و چگونه مشکلی به وجود آمده است؟ یکی از مؤلفه‌های تربیت دینی^۱ عقلانیت است، پذیرش دین جز با فهم و

۶- تربیت دینی در مفهوم اصیل آن در شکل‌گیری آن باتدین در فرد شکل می‌گیرد، یعنی هم اعتقاد دینی و تجربه دینی در ارتباط با خدا نوعی التزام درونی نسبت به سخن خدا و عمل به آن به وجود می‌آورد هم جریان یافتن آن با توجه به شرایط و مقتضای به وجود آمده با تبیین و شناسایی و عرضه معیارها با تحرک درونی به وجود آمده با نقادی انجام می‌گیرد. از جهت دیگر موانع تفکر علاوه بر آنچه از آیات قرآن به دست آمده، باید آن‌ها را در جامعه بررسی نمود. هر عاملی که مانع تفکر گردد، معلم، اینترنت یا هر رسانه‌ای که موجب بمباران اطلاعاتی گردد و فرصت تفکر را سلب نماید، مانع تفکر می‌شود. (باقری، ۱۳۸۶ ب: ۲۸۴)

تعقل میسر نمی‌شود وقتی کسی امری را معقول یافت، اگر بخواهد با خردورزی پیش رود از آن تبعیت خواهد کرد. دینی‌شدن یعنی به وجود آمدن دگرگونی‌هایی که در وجود فرد از نظر تدین، اعتقادات فکری، تحرک درونی و دریافت تجربه دینی که به دنبال آن نوعی التزام درونی را در بر خواهد داشت، همراه خواهد بود. التزام درونی افراد نیز انجام دادن عمل دینی را میسر می‌نماید. عقلانیت در تربیت دینی به همه حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف اعتقادی، نظری، نیز توحید عملی و اخلاق و شریعت نظارت دارد. ارزیابی، گزینش، طرد و تشخیص قرار گرفتن در موقعیت را فراهم می‌نماید، تقوای حضور و یا تقوای گریز با مدیریت عقل انجام می‌پذیرد.

مشخص کردن شاخص‌ها و معیارهای سلامت در تربیت دینی از آن جهت اهمیت دارد که موجب شناسایی منشأ آسیب‌ها در سلامت و در تربیت دینی خواهد بود. پرواضح است که مفاهیم و معیارهایی که در تربیت وجود دارد، اگر به‌درستی فهمیده نشود و ارزیابی آن‌ها نیز درست انجام نشود، ممکن است کمتر یا بیشتر از آنچه هستند، تلقی گردند و در مواجهه با مسائل نوظهور در جامعه در دوران‌های متفاوت به شکل نابهنجار و نابجا استفاده شوند. آسیب‌های تربیتی کجروی در عرصه‌های عمل، ناشی از کجروی در مرحله اندیشه و عمل است، باید آسیب‌شناسی تربیت دینی موجب بازشناسی اختلال‌های مفهومی و مصداقی گردد که در به‌کارگیری مفاهیم و معیارهای دینی در جریان و فرآیند تربیت رخ می‌دهد (باقری، ۱۳۸۶: ب: ۲۸۴) در حیطه فردی آسیب‌شناسی تربیت دینی از دیدگاه نهج البلاغه عقل‌گرایی محض، مذموم بوده و سطحی‌نگری، کمال‌گرایی افراطی غیرواقع‌گرا ظاهرسازی و پرداختن به خرافه، بدعت، سهل‌انگاری آسیب‌رسان تربیت دینی‌اند. در جهت آسیب‌زدایی سهل‌گیری، حق‌باوری، عقل‌ورزی ایمان و عمل صالح از راهکارهای ارائه‌شده حضرت علی (علیه السلام) است (کاوایی، ۱۳۹۲: ۵-۲۶)

راهکار نهج البلاغه:

چنانچه قبلاً هم آمد،

«لَا مَالَ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا وَحْدَهُ أَوْ حَشٌّ مِنَ الْعُجْبِ وَلَا عَقْلٌ كَالْتَدْبِيرِ وَلَا كَرَمٌ كَالْتَقْوَى»

(حکمت ۱۱۳)

«سرمایه‌ای سودمندتر از عقل، بزرگواری‌ای چون تقوا و تجارتی چون عمل صالح و پارسایی‌ای

چون پرهیز از شبهات نیست.» (دشتی، ۱۳۸۵: ۴۶۳)

یکی از مبانی فلسفی تربیت، معرفت‌شناسی است. اینکه معرفت و شناخت از چه راهی به دست

می‌آید؟ معرفت حسی باشد یا تجربی یا ذهنی، مطابقت آنچه در ذهن است، با واقعیت خارجی امکان‌پذیر

باشد یا نه، در تربیت مورد توجه و نیاز است و معرفت دینی مستلزم تربیت دینی است زیرا در تعامل با متربیان و فراگیران برای درک، فهم بهتر آنان از یادگیری، ابزار شناخت و روش به کارگیری آن‌ها باید تعیین شود تا مسیر آموزش و یادگیری و تربیت تسهیل شود و از آسان‌ترین روش‌های یادگیری برای رسیدن به اهداف استفاده گردد. لذا «در تربیت، معرفت‌شناسی حائز اهمیت است.» (صادق زاده، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۱) معرفت دینی نیز از این قاعده مستثنا نیست. روش‌های کسب معرفت متفاوت‌اند، معرفت دینی دانشی است که در آن مطالعات دامن‌دار عقلانی و کاوش روشمند برای کشف دین انجام می‌گیرد. رهیافت‌های گوناگونی برای رسیدن به آن نیاز است تا به شکل دانشی نظام‌مند و مستقل سامان یابد. از نظر مفهوم‌شناسی و تحلیل آن، مفاهیمی چون منطق و فهم دین، فلسفه و معرفت دینی نیازمند بازشناسی‌اند. «معرفت دینی به معرفتی اطلاق می‌شود که با توجه به به‌دست‌آوردن شرایط معتبر از لحاظ مبانی و منطق، فرایند فهم دین میسر شود.» سعی و تلاش روشمند محققان و اندیشمندان دینی با حفظ شأنت برای تفسیر متون دینی منتهی به معرفت دینی خواهد شد. معرفت دینی و فهم دین از نظر تاریخ به فهم عالمانه از دین از زمان ظهور ادیان در بین اهل کتاب و در بین مسلمانان وجود داشته است. چنانچه از احادیث نبوی برمی‌آید: «آنچه را که سلمان می‌دانست، اگر ابوذر نیز می‌دانست هرآینه او هلاک می‌گردید.» یا زمانی که خلیفه دوم، جانشینی براساس امامت را کنار می‌زند و ممنوعیت کتابت نبوی را ایجاد می‌کند، ادعای کافی بودن کتاب خدا را دارد زیرا معتقد است آن چه محمد ﷺ می‌فهمید، ما نیز قادریم از کتاب خدا بفهمیم: «حسبنا کتاب الله» (جعفریان، ۱۳۹۴: ۸۸) این ادعا دلیل بر نوعی ادعای فهم و معرفت دینی است ولی تا چه میزان با حقیقت دین و هدف شریعت و دین الهی مطابقت داشت؟ تاریخ گواهی داده است. یا به وجود آمدن فرقه‌های مختلف در بین مسلمانان مثل معتزله و اشاعره و حتی پیروان ادیان مختلف جدای از سازندگان اختلافات و عوامل ایجادکننده انحراف در اعتقادات و باورهای آنان حاکی از نوعی فهم علمای دین و القاء در بین پیروان است. زمینه‌های تاریخی نقش عقل در بین مذاهب اهل سنت بیانگر نوع درک و فهم هر یک در درجه اول از کلام الهی است که موجب به وجود آمدن تفکرات خاص و تقسیم‌بندی فرقه‌های مسلمین بعد از زمان حیات پیامبر گرامی اسلام ﷺ است. به چگونگی ارتباط و تعامل عقل و دین در صدر اسلام، عقل‌گرایی، نص‌گرایی و ایمان

۱- عده‌ای اکتفا کردن به کتاب خدا را برای حل مشکلات اجتماعی و اجرای احکام و شریعت پیامبر کافی دانستند و به دستور خلیفه دوم کتابت حدیث نبوی ممنوع اعلام شد و این کار تا زمان عمر بن عبدالعزیز نجیب اموی ادامه داشت. یعنی سال ۹۹-۱۰۱ هجری.

رایج در عصر امامان شیعه علیهم‌السلام هرچند به شکل امروزی متداول نبوده، خود نمودی از معرفت متفاوت دینی در بین مسلمانان است. دوری از امام معصوم علیه‌السلام در جامعه بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مشکلات فرهنگی، اجتماعی آن دوره، پدید آمدن تفسیر و تأویل‌های متعدد درباره آیات، اعتقاد به جبر و از بین رفتن یا جعل احادیث نبوی از موانع دستیابی و نزدیک شدن معرفت نبوی به عنوان اولین مفسر آیات قرآن مطرح است. به اعتقاد برخی محققین « در فضای آن زمان نوعی نص‌گرایی بی‌پیرایه وجود داشت که تبدیل به نص‌گرایی افراطی عده‌ای گردید، جبرگرایی و بی‌اعتنایی به عقل و ورزی و ناکافی بودن معرفت عقلی منجر به نص‌گرایی شد. نقش عقل در معرفت دینی در نزد اهل حدیث و اخباریون اهمیت چندانی نداشت. به همین دلیل در آموزه‌های دینی و مسائلی که به وجود می‌آمد، عقل دخالتی نمی‌کرد. آنان آدمی را در عمل فاقد اختیار و مجبور می‌پنداشتند. عقیده داشتند انسان هیچ‌گونه اختیاری از خود ندارد و پرسش از عمل الهی کار ناشایستی به حساب می‌آمد زیرا عقل انسان توان درک حسن و قبح را ندارد»^۱ (سخنور، ۱۳۹۰: ۳۴-۴۸)، بحث معرفت دینی و تکامل آن در عالم مسیحیت نیز مشاهده می‌شود. مثل سؤالاتی که در این زمینه مطرح شده است: «آیا دین ثابت است یا متغیر؟» عقیده برخی از متفکران غربی بر ثابت بودن دین است. برخی نیز عقیده دارند که حقیقت دین متغیر است و متناسب با عصر و زمانه تغییر می‌کند. برخی دین را ثابت می‌دانند، معتقدند آنچه متغیر است، فهم ما از دین است. (محمدرضایی، ۱۳۷۹: ۶-۲) جان مک‌کواری^۲ روحانی بریتانیایی و استاد برجسته الهیات که مطالعات کلامی و فلسفی زیادی دارد، در کتاب خود تفکر دینی در قرن بیستم، از تلاش اندیشمندان مسیحی مبنی بر غیرقطعی و اصیل بودن محتوای مسیحیت یاد می‌کند. از نمونه‌های عالمان مسیحی از مدرنیست‌ها و تجددطلبان برجسته و پژوهشگر کتاب مقدس، آلفرد فریمین لویزی^۳ است. او که خود کشیش تکفیری است و از جامعه کشیشان اخراج گردیده است، افرادی را که می‌کوشیدند تا همه پیرایه‌ها را از محتوای مسیحیت جدا کنند و آن را به شکل جوهری ثابت و اصیل حفظ نمایند، به شدت نقد می‌کند. مک‌کواری در زمینه الهیات و اندیشه مدرن تبصره خاصی دارد و برخلاف الهیات‌دانان که دچار افسوس جزم‌گرایی‌اند و تندروی فکری در زمینه محتوای دین مسیحیت دارند، از جریان‌های مختلف

۱- معتزله را از آن جهت که در خود فرو رفته و به تفکر و استفاده از عقل اهتمام داشتند و نوعی خلوت‌نشینی به شمار می‌رفته است، اعتزالی یا معتزله نام نهاده‌اند. (سخنور، ۱۳۹۰)

2-1919-2007 John Maccauarie

3-1940-1857-Alfred Frimin Loisy

فکری در کار خود بهره می‌برد. او اذعان می‌کند که چارچوب پایدار گذشته که متافیزیک فراهم نموده بود، و رویدادهای تاریخی در صحنه ثابت آن روی می‌داد، اکنون برعکس شده است و به چهارچوبی ناپایدار تبدیل شده است. دستگاه‌های متافیزیکی نیز محصول تاریخ به شمار می‌آیند که با وضعیتی ناپایدار و متغیر ظهور نموده و سرانجام به زوال و نابودی می‌انجامد. یعنی هر چیزی ویژگی خود را از زمانه می‌گیرد. یعنی سکولارسازی به سادگی معنای تاریخی یافته برخلاف متافیزیک دنیاگرایی است. از این اظهارات به دست می‌آید که در نظر پژوهشگران مسیحی لویزی شوایتزر و مک کواری، دین حقیقت ثابت است و فهم ما از این حقیقت در حال تکامل است. (مک کواری، ترجمه عباسی، ۱۳۹۷: مقدمه) متون اسلامی مجموعه معارفی که در میان مسلمانان در علوم متعددی چون فلسفه و کلام و حدیث‌شناسی، فقه، اصول، قرآن‌شناسی یا تفسیر مشهورند. با توجه به معنای دین می‌توان واژه معرفت دینی را این‌گونه تعریف نمود: معرفت دینی مجموعه شناخت‌هایی است که درباره ادیان الهی آن هم ادیان تحریف‌نشده بخش‌های مختلفی همچون عقاید، اخلاق، احکام و به عبارتی دیگر مجموعه هست‌ها و بایدها است وجود دارد و مثل سایر معرفت‌های بشری از خطا و اشتباه بری نیستند بلکه منظور از آن فهم عالمانه دین که به صورت روشمند و متخصصانه است و در واقع دستاورد علمای دین با پژوهش در منابع دینی، کتاب و سنت و عقل به دست می‌آید است. بنابراین مشتمل بر خطا و صواب و نقص و کمال و اختلاف‌پذیر خواهد بود. اما در خود دین تغییر و تحول راه ندارد. دین اسلام چون دین خاتم است، با گذشت زمان قابل تغییر نیست فقط ممکن است موضوعات احکام تغییر نماید. یعنی معرفت دینی امری متمایز از دین و منوط به شناخت درست از دین است. چنانچه این شناخت کامل باشد، خطای فهم آن مصون‌تر خواهد بود. آن‌چنان که در مورد معصومین (علیهم‌السلام) صادق است، معرفت دینی مطابق با اصل دین و ملاک و معیار و میزان مطابقت یا عدم مطابقت معرفت‌های دینی با معرفت دینی آن‌هاست و هر چقدر فهم ما از دین نزدیک‌تر به فهم معصومین (علیهم‌السلام) باشد، به واقعیت دین نزدیک‌تر خواهد بود. «البته این در صورتی است که معصوم (علیهم‌السلام) حاضر باشد و الا مثل سایر معرفت‌های بشری عاری از خطا و اشتباه نخواهد بود. عوامل و موانع متعددی برای دستیابی به حقیقت وجود دارد که مانع از کسب معرفت دینی مطابق با حقیقت دین است از جمله مواردی که ذکر کرده‌اند، محدودیت و قصور ذاتی توان ادراکی و خطاپذیری ادراکات بشری است و اختلاف‌نظرهای موجود بین علمای دین و نیز وجود متشابهات در منابع دینی و روایات مجعولی که در منابع روایی دیده می‌شود و معارف و علوم غیردینی عالمان دینی که ممکن است در فهم دین دخالت داشته باشد و عوامل سیاسی و اجتماعی و تاریخی و معیشتی و نیز خصوصیات روحی و روانی و

اخلاق عالم نیز می‌تواند دخیل باشد.» (حسین زاده، ۱۳۸۵: ۸۳) از گروه‌های فکری تأثیرگذار، در صد ساله اخیر که به نواندیشی و فهم ما از دین مربوط می‌شود، روشنفکران و روحانیانی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، امام خمینی، مطهری و شریعتی است. سرچشمه رویش چنین تفکراتی به دوره مشروطیت مربوط می‌شود. برخی از آنان در پی این بودند که بین سنت و مدرنیته نوعی آشتی و همسازی و ارتباط ایجاد نمایند. محصول این تفکرات و تأملات فلسفی آن‌ها شکل‌گیری تفکرات نواندیشانه درباره دین است که در واقع مربوط به قرائت‌های مختلف از دین است که به لحاظ معرفتی و زمان متغیرند. (مسعودی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱-۱۸) از جمله کسانی که به‌عنوان نواندیش و روشنفکر دینی در عصر حاضر در بین سنی‌مذهبان مسلمان مطرح است، نصر حامد ابوزید است. او می‌خواهد با تبیین‌های فلسفی مؤلفه‌های مدرنیته را با اجزای سنت مرتبط نماید. از مسائلی مورد توجه، در این زمینه چپستی و چگونگی تربیت دینی است. در دیدگاه ابوزید اصول توحید و عدل اهمیت بیشتری دارند و اصل توحید فرق تمایز تربیت دینی و شبه تربیت و مانع تلقین می‌گردد و اصل عدل معیار دین‌داری تلقی می‌شود. عقیده ابوزید از اهمیت سنت گذشته و تبدیل آن به‌طور مطلق در حافظه ذهنی مردم حکایت از به اسارت‌کشاندن معرفت دارد. اهداف تربیتی ذکرشده توسط ابوزید در زمینه عقلانیت، آزادی و عدالت است که مانع جهالت و انفعال در برابر قدرت عاطفه و تسلیم در برابر قدرت و قهر روابط اجتماعی است و از ظلم و ستم جلوگیری می‌نماید. تربیت دینی تعریف شده از نظر وی براساس اراده آزاد فرد است و ظاهرگرایی و سطحی‌نگری را در متون دینی از آفات دین‌داری معرفی می‌نماید. او معتقد است «تربیت دینی باید به اهداف شریعت توجه داشته باشد و از تکیه کردن بیش از حد بر نص که جنبه بت‌پرستی پیدا نماید، باید دوری کرد.» ابوزید از اندیشمندان عربی است که مبانی هرمنوتیکی، معناشناسی، نشانه‌شناسی و مانند آن را با هدف قراردادن بررسی اندیشه دینی، تربیت دینی را بنیان‌گذاری نمود. مباحث او حول متن قرآن و سنت است. (باقری‌نیا، ۱۳۹۵: ۱-۲۰) به نظر می‌رسد برخی برای تبلیغ و گسترش تبلیغ دینی به نقطه‌ای می‌رسند که امروز باید آموزه‌های دینی نیز مدرن شوند تا حتی برای غیرمسلمانان نیز متون اسلامی قابل فهم گردد. البته نواندیشانی همچون امام خمینی (ره) و شریعتی به گسترش دین از حوزه خصوصی به عمومی پرداخته‌اند. (مسعودی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱-۱۸) و از نظر موقعیت و شرایط از جنبه‌های دیگری به این مهم پرداخته‌اند. چنانچه در کتاب حکومت اسلامی که نقطه‌نظرهای امام خمینی (ره) در پیاده‌کردن احکام اسلامی در جامعه آمده است، نمونه‌ای از مراجعه به آیات و تغییر مصداق‌های قرآنی بوده است. عقیده برخی مفسرین انقلابی توجه به روح آیات بوده است در تفسیر هرمنوتیک شلایرماخر، نیز توجه به

متن و روح آیات در انجیل در نظر گرفته شده است. (دیلنای، ۱۳۹۱: ۲۶۳) برای نمونه آیه‌ای که دستور دفاع و آمادگی رویارویی با دشمن را بیان می‌دارد:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (قرآن کریم، انفال: ۶۰)

همچنین تقسیم‌بندی آیات به حکومتی و اجتماعی، ثانویه و اولیه، از این قسم است. البته روش اجتهادی و به روز درآوردن احکام، باید ادامه داشته باشد که به نظر می‌رسد مدتی است که دچار کندی یا توقف شده است. بیان مطالبی که گذشت حاکی از نوع معرفت دینی دین‌داران است که گوناگونی آن از طرفی مانع و مخل دین‌داری و از طرفی دیگر نشانی از نواندیشی است.

۳- نتیجه‌گیری

آزادی این «موهبت الهی» همچون خرد و خردورزی برای انسان است که فهم می‌گردد. درک با آگاهی، رهایی از اسارت‌هاست هم از اسارت‌های درونی و هم نمایش آن‌ها از بیرون. آزادی بیرونی انسان موجب آزادی درونی وی نیز خواهد شد چنانچه در جایگاه آزادی فکر در قرآن توجه به عقلانیت و دوری از تبعیت نکردن از عقل است که جای خود را به، موانعی چون، تقلید، غفلت، فریب، دچار شدن به شک و تردید و راه دادن شبهات به قلب و عدم تبعیت از عقل را به همراه خواهد داشت و البته این فقط برای انسان میسر است. در جهان امروز انسانی آزاد تلقی می‌گردد که فکر و اندیشه آزاد داشته باشد و در کلام امام علی علیه السلام تأکید بر آن دارد که همه مردم آزاد آفریده شده‌اند «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است.»^۲ اصولاً انسان آزاد، انسان آزاداندیش است. موانع درون دینی، چون جدال غیرمنطقی و تقلید کور و دنیا طلبی مانع آزادی فکر هستند و صفاتی همچون حسد و بخل عامل اسارت انسان از درون‌اند. انسان بخشنده ابتدا خود را از قید و بندهای اسارت روح، رها می‌کند، به آزادی می‌رسد، سپس دیگری را در بخششی که دارد، رها می‌سازد. راهکارهایی نظیر عبرت و الگوگیری از انسان کامل، تقدم هدایت خود قبل از دیگری، توجه به عقلانیت در تصمیم‌گیری، عمل خردمندانه به جای تقلید از گذشتگان و سطحی‌نگری، موجب آزادی فکر می‌شوند. موانع برون دینی، تنوع معرفت دینی از زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تا کنون، بنابر فهم دین، استنباط از آیات قرآن و متون اسلامی، انطباق با رویدادهای

۱- هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های ورزیده فراهم آورید تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید.

۲- ترجمه دشتی، قسمتی از نامه ۵۳

اجتماعی و مقتضیات زمانی باعث به وجود آمدن فرقه‌های مختلف مذهبی گردیده است. راهکار خروج از آن را امام علی (علیه السلام) حقیقت‌جویی و حقیقت‌گرایی به جای پندارگرایی، توجه به عقلانیت، اطاعت از فرمان الهی معرفی کرده است. به نظر می‌رسد جای پژوهش در زمینه معرفت‌شناسی و شناخت شاخصه‌های معرفت دینی از دید نهج البلاغه همچنان خالی است که پیشنهاد می‌شود محققان در آینده به آن بپردازند.

منابع

- قرآن مجید، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۴ش..تهران: سازمان امور خیریه و اوقاف.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۸۵ش. قم: غرقة الاسلام.
۱. احسانی فر، محمدمهدی؛ قاضی زاده، کاظم، ۱۳۹۴ش.. «تحلیل مفهومی لا اکراه فی الدین و نظریه آزادی و مسئولیت عقیده»، قم: دو فصلنامه کتاب و سنت، سال سوم، شماره ۶، صص ۲۶-۵۱
 ۲. ایازی، سیدمحمد، (۱۳۹۶). «آزادی انسان در قرآن»، تهران: همایش بزرگداشت امام خمینی (ره)، نشریه بینات شماره ۵۳ (صفحات ۳۷-۴۴)
 ۳. آزادی فکر، ۱۳۲۵ش تهران: مجله یادگار..
 ۴. باقری، خسرو، ۱۳۸۶الف و ۱۳۸۶ب.ش. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی جلد اول و جلد دوم، تهران: انتشارات مدرسه.
 ۵. باقری، خسرو؛ و دیگران، ۱۳۸۹ش رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 ۶. باقری، خسرو، ۱۳۹۲ش، هویت علم دینی، نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۷. باقری، خسرو، ۱۳۹۹ش، عاملیت انسان رویکرد دینی و فلسفی، تهران: نشر واکاوش.
 ۸. باقری‌نیا، حسن، ۱۳۹۵ش، «آسیب‌شناسی تربیت دینی با نظر به مبانی معرفت‌شناسی دینی اندیشه‌های نوگراانه نصر حامد ابوزید»، بجنورد: پژوهشنامه تربیتی، سال یازدهم، شماره ۴۷، تابستان (صفحات ۱-۲۰)
 ۹. جعفریان، رسول، ۱۳۹۴ش، تاریخ سیاسی اسلام تاریخ خلفاء از رحلت پیامبر ﷺ تا زمان امویان (۱۱-۱۳۳ق)، تهران: انتشارات دلیل ما،
 ۱۰. خمینی، روح‌الله ۱۳۹۲ش، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۱۱. دشتی سروری، نجفقلی، ۱۳۷۸ش، آزادی فکر در نظام جمهوری اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی تهران: دانشگاه شهیدبهبشتی.
 ۱۲. دیلتای، ویلهلم، ۱۳۹۱ش، دانش هرمنوتیک مطالعه تاریخ، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی. تهران: انتشارات ققنوس.

۱۳. سخنور، داوود، ۱۳۹۰ ش، «زمینه تاریخی نقش عقل در معرفت دینی در میان مذاهب اهل سنت تا دوره غزالی»، تهران: *گاهنامه علمی و پژوهشی پرتو خرد*، سال سوم، شماره ۳، زمستان، (صفحات ۳۴-۴۸)
۱۴. سوزنجی، حسین، ۱۳۶۳ ش، حل پارادوکس آزادی در اندیشه مطهری، تهران: *مجله قبسات*، دوره ۸ شماره ۳۰-۳۱ (صفحات ۲۰۷-۲۲۲)
۱۵. صادق زاده قمصری، علیرضا، ۱۳۹۲ ش، *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۰ ش، *تفسیر المیزان ۱* ترجمه همدانی، تهران: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۴ ش، *تفسیر المیزان ۱ و ۲ و ۷ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۹*، ترجمه موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. فانی، مهدی؛ رجبی، محمدحسین، ۱۳۹۳ ش، «موارد استدلال تفسیری و کلامی بر آیه لا اکره فی الدین»، قم: *دوفصلنامه تحقیقات کلامی*، دوره ۲، شماره ۵، (صفحات ۹۳-۱۰۸)
۱۹. قربانی، زین العابدین، ۱۳۴۰ ش، «نظری به اعلامیه حقوق بشر (اسلام و آزادی فکر و وجدان)»، تهران: *مجله مکتب اسلام*.
۲۰. کاویانی، صدیقه، ۱۳۹۸ ش، «آسیب‌شناسی تربیت دینی در حیطه فردی از منظر نهج البلاغه»، تهران: *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۴۲. (صفحات ۵-۲۶)
۲۱. کلینی، محمد ابن یعقوب، ۱۳۶۹ ش، *اصول کافی*، جداول و دوم، تهران: انتشارات اسلامی.
۲۲. گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، ج ویس، ۱۳۸۶ ش، *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی* ترجمه: جمعی از مؤلفان، جلد دوم تهران: انتشارات سمت.
۲۳. عزیزی، عباس، ۱۳۸۱ ش، درآمدی بر معرفت پژوهی در نهج البلاغه، قم: *مجله پژوهش و حوزه* شماره (۱۲ صفحه ۹۰).
۲۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۹ ش، *بحار الانوار*، جلد ۵، تهران: انتشارات اسلامی.
۲۵. محمدرضایی، محمد، ۱۳۷۹ ش، «خاستگاه و پیشینه نظریه تکامل معرفت دینی»، قم: *مجله قبسات*، شماره ۱۸ (صفحات ۱۰۸-۱۱۷).



۲۶. محمدی ری شهری، محمد وحسن فرزندگان، *میزان الحکمه*، جلد ۱، ترجمه حمید رضاشیخی، موسسه فرهنگی دارالحدیث شهر ری
۲۷. مسعودنیا، حسین ۱۳۹۱ش، «بررسی مقایسه‌ای دو گفتمان ایدئولوژیک و هرمنوتیک نواندیشی دینی»، *مجله دانش سیاسی و بین‌الملل*، تهران: شماره ۱. (صفحات ۱-۱۸)
۲۸. مک‌کواری، جان، ۱۳۹۷ش، *هاینگر و مسیحیت*، ترجمه شهاب‌الدین عباسی، تهران: نشر بنگاه ترجمه.
۲۹. هومن، حیدر علی، ۱۳۸۶ش، *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، تهران: انتشارات سمت.

30. Article 18 of the ICCPR states (Human Rights Committee General, (1997)
Commission work "*Freedom of thought, conscience and religion or belief*"
31. Protecting the right to freedom of thought, conscience and religion under the European convention on Human Rights (PDF) : European Court factsheet, (2012),
32. Low and Religionscholars Network of the :
Australian Government Attorney Generals Departeman.at :http:ag.gov.au,(2018).
33. Sharma, Divya, (2018), *Role of Education in Freedom of thought*
at :https://www.wimbilogger.in/role-education-freedom-of-thought/
34. Zainal Abidin, Danial, (2015), *Islam and freedom of thought*,
Misunderstood
35. at : http :Islamweb.net English wednesday July/18/(2018).